

اسلام در تعلیم خانواده و تربیت فرزندان

مفتی خلیل الله محمدی

اهمیت خانواده: تعریف صحیح برای خانواده این است که خانواده عبارت است از کوچکترین واحد تشکیل دهنده هر جامعه که دست کم از یک زن و شوهر تشکیل شده و با فرزندان تکمیل میشود.

از دیدگاه قرآن کریم، خانواده کوچکترین و برترین واحد اجتماعی است که در سازماندهی و واحدهای دیگر جامعه نقش محوری و تعیین کننده دارد، به همین جهت اسلام میان تمام نهاد های اجتماعی و تشکیلات مدنی، خانواده را بیش از همه مورد توجه قرار داده و بر اصالت آن تأکید نموده است.

تشکیل خانواده یک ضرورت اجتناب ناپذیر اجتماعی است، اما صلاح جامعه بدون اصلاح خانواده میسر نیست، کانون خانواده هسته اصلی جوامع بشری را تشکیل میدهد و تشکیل آن اولین قدم از حالت انفرادی به حالت اجتماعی است.

خانواده یک کارخانه آدم سازی است که بنای آن بر الفت، همدلی و همدمی استوار بوده و روابط آن بر مودت و رحمت پایه گذاری شده است و در این خصوص قرآن کریم در سوره تحریم آیه ۶ میفرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگ ها است نگه دارید آتشی که فرشتگان بر آن گمارده شده اند که خشن و سخت گیر اند، هرگز با فرمان خدا مخالفت نمیکنند و دستورات او را دقیقاً اجرا مینمایند.

خانواده یکی از گروه های اجتماعی است که اگر اعضای آن بدرستی تربیت نشده باشند ممکن است چالش تربیتی آنها موجب گرایش به کجروی، انحراف و در نهایت آسیب های ویران گر شود.

آسیب ها و آفت های که قوام نظام خانواده را به خطر می اندازد، در دو دسته قابل بررسی و مطالعه است:

آسیب های درونی (داخلی) خانواده: برای برخورداری از زندگی سالم و خانواده ارزنده باید برای پیرایش کانون گرم خانواده از آسیب ها و آفت های مختلف تلاش کرد و اجازه نداد که خانواده در معرض بیماریهای خانمان سوز قرار گیرد، عوامل و آسیب های که از درون (داخل) زمینه های اختلاف، درگیری، کینه و خشم و در نهایت از هم پاشیده شدن خانواده را ایجاد میکنند عبارت اند از:

الف: "بد خلقی": بد خلقی در محیط خانواده گی موجب عوارض منفی بیشماری میگردد که در قالب تند خویی، گرفتگی چهره، بی حوصله گی، اخم و بهانه گیری نمایان میشود.

بد خلقی محیط خانواده را به جهنم سوزان تبدیل میکند که ثمره ای جز از دست دادن خوشبختی و سعادت افراد خانواده ندارد.

بعضی از آثار منفی بد خلقی چنین است:

۱: نابودی شخصیت انسانی: اولین اثر منفی بد خلقی بطور مستقیم متوجه فرد بد اخلاق میگردد، بدین معنی که بد اخلاقی چنان چهره زشت و نامطلوب از انسان ارایه میدارد که با مشاهده آن خوبیها، صفات ارزنده و دیگر ارزشهای اجتماعی فرد از یاد رفته، شخصیت وی ضایع و در نظر دیگران خوار و ذلیل میگردد.

۲: ایجاد ترس و اضطراب: محیط خانه و زندگی باید محل آرامش و آسایش زن و فرزندان باشد، بد اخلاقی آرامش و صفای محیط خانواده را از بین برده ترس و دلهره را جایگزین میکند

۳: زوال محبت: اثر دیگر بد خلقی کم شدن مهر و محبت و از بین رفتن مهربانی و دوستی است خوش رویی کمترین بهایی است که زن در مقابل تلاش شبانه روزی خود از شوهر انتظار دارد و در حقیقت جبران کننده بسیاری از کمبودهای مادی زندگی است، زنیکه همیشه با تند خویی شوهرش روبرو میشود، زندگی در نظرش تیره و تار شده از معاشرت با همسر بی حوصله و بد خلق و خو، خسته و در مانده میشود.

ب: بدگمانی: از دیگر آسیبهای درونی که سعادت خانواده را به مخاطره می اندازد، بدگمانی، شک و تردید زن و شوهر نسبت به یک دیگر است.

انسانی که بر اثر روحیه بدبینی به همسرش اعتماد و اطمینان ندارد، از آرامش و صفای روحی و جسمی در زندگی خانوادگی محروم خواهد بود برای نمونه می توان به دواثر منفی اشاره کرد:

۱. **برانگیختن بدیها:** اگر مردی در مسایل خانوادگی نسبت به همسرش بدگمان باشد، اتهامات واهی و بی اساس را به وی نسبت می دهد که سبب ناچیز جلوه دادن زشتی اعمال بد گردیده و سرانجام اعمال نا شایسته را برای او آسان میکند و در نتیجه رفتار او به تدریج به سوی انحراف سوق داده شده موجب ظهور اعمال ناپسند خواهد شد.

۲. **اختلافات خانوادگی:** از نظر فرد بدبین اغلب رفتار های همسرش مشکوک و نادرست است و همین خیال واهی موجب اعتراضات بی اساس و اتهامات ناروا و واکنش های ناپسند در مقابل رفتار همسر میشود.

تحمل چنین وضعی در دراز مدت برای انسان مشکل و طاقت فرسا است، از این رو همسر چنین فرد، هر اندازه که صبور و خویشتندار باشد، پس از گذشت مدت زمانی کاسه صبرش لبریز شده به مقابله با او خواهد پرداخت.

ج. **بدزبانی:** بدزبانی سلامت و سعادت خانواده را از درون تهدید میکند و موجب نگرانی ها و اختلافات میان زن و شوهر میگردد؛ پیامبر اکرم ﷺ میفرماید: مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در امان و راحت باشند.

بد زبانی هریک از زن و شوهر در محیط زندگی و خانواده موجب کاهش محبت و رنج خاطر و مایه سرزنش و ملامت دیگران است.

بدزبانی در خانواده به صورتهای گوناگونی ظاهر میشود که بعضی از این قرار است:

۱. **سرزنش:** هرگاه سرزنش افراد بخصوص همسر در محیط خانوادگی ضرورت پیدا کند، نباید در این باره افراط و زیاده روی کرد، بلکه باید به حداقل آن اکتفا نمود، چرا که زیاده روی در سرزنش دیگران به جای تاثیر نیکو آثار منفی در پی دارد.

۲. **نا سزا گویی:** گاهی بدزبانی در خانواده به صورت نا سزا گویی و فحاشی نمایان می شود که این رفتار نا شایسته موجب ناراضی، اختلافات و ناراحتی های عمیق زن و شوهر میشود.

۳. **عیب جویی:** عیب جویی موجب ناراحتی های گوناگون، آزار روحی و روانی، خجالت و شرم ساری و سرافکندگی است. قرآن کریم میفرماید ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ﴾ ^{الحجرات: ۱۱}

ترجمه. یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی و لقب های زشت قرار ندهید.

سعادت و خوشبختی در خانه ای است که اهل آن در جستجوی عیب یکدیگر نبوده به فکر اصلاح خود باشند و از نام گذاری با القاب زشت و ناپسند خود داری کنند.

آسیب های بیرون زا (خارجی) در خانواده: بخش مهمی از مفاسد و آسیب های اجتماعی معلول رفتار های نامناسب خانوادگی است که بیشتر مسئولیت آن برعهده والدین است، کوچک ترین غفلت ممکن است سرنوشت فرزندان و حتی خانواده را به مخاطره بیندازد و آثار زیان باری در جامعه به وجود آورد، بعضی از مهمترین آسیبهای خانوادگی که آثار اجتماعی دارد، عبارت اند از:

الف: نامناسب بودن تربیتی خانواده: مؤثرترین بستر تربیتی کانون خانواده است و ریشه های سوء تربیت یابی تربیتی فرزندان را باید از رفتار و گفتار حاکم در خانواده ها جستجو کرد، رفتار لجوجانه پدر و مادر و نا سازگاری آنان بایکدیگر و هرگونه فحش و ناسزا و پرخاشگری اثر سوء در فرزندان می گذارد و آنان را عنصرهای کینه توز، سنگ دل، فحاش، بی ادب، ستیزه جو و... به بار می آورد پس مهمترین وظیفه والدین تربیت اولاد میباشد، رسول اکرم ﷺ میفرماید: «هیچ اعطاء و بخششی از طرف پدر و مادر برای فرزندان بهتر از تربیت خوب و پسندیده نیست.» (ترمذی)

ب: همه شینی با دو ستان ناباب: هر پدر و مادر عاقل و دلسوز وظیفه دارند که فرزندان خود را به گونه ای تربیت کنند، تا آنان از انتخاب دوستان ناباب و نامطلوب دوری کنند، اگر جاذبه های هرچند کاذب ولی فریبنده دوستان ناباب قوی تر از جاذبه خانه و کاشانه باشد، فرزندان ما به طرف آنان خواهند رفت.

ج. طلاق: طلاق مهم ترین امری است که موجب آسیب پذیری خانواده شده و ارکان آن را متزلزل می سازد و آن از میغوض ترین حلالها نزد خداوند است، طلاق در اسلام آخرین راه حل برای زمانی است که آن هم دیگر امید به تداوم زندگی زناشویی نیست مطرح شده است، تاباب مفاسد دیگر مسدود گردد.

ولی متأسفانه امروزه بسیاری از مردمان بر سر مسائل ناچیز و کم اهمیت بدون توجه به عواقب کار یک مرتبه اقدام به طلاق کرده و زندگی خوب زنا شویی و کانون خانواده خویش را برهم می زنند: از دیگر آسب ها و آفتها و عوامل درونی و بیرونی که نظام خانواده را تهدید به فروپاشی می کند می توان عوامل ذیل را برشمرد:

۱. اعتیاد به مواد مخدر.
۲. شراب نوشی و مصرف مواد الکلی، سگرت و چرس کشیدن در میان اهل خانواده.
۳. نبود هماهنگی فکری میان زن و شوهر.
۴. بی توجهی به شئون شریعت اسلامی و روابط مشروع زوجیت (عدم ارضای جنسی شوهر).
۵. تحقیر و عدم احترام به کرامت زن.
۶. تسلط و زورگویی زن بر شوهر.
۷. فقدان رفاه در خانواده (بخیل و خسیس بودن شوهر).
۸. فقر و ناداری.
۹. خیانت در زندگی زناشویی.
۱۰. رعایت نکردن حقوق زناشویی.
۱۱. بی حجابی و تقالید بیجا از دیگران.
۱۲. عقیم بودن (نازایی).

نتیجه کلام: خانواده یکی از گروه هایی است که رفتار فرد را تا حدودی معین می کند و به آن شکل می دهد، از این رو باید به نام یک عامل کنترل غیر رسمی جدی گرفته شود، چرا که علت بسیاری از آسب های اجتماعی و جرم و جنایت ها ناشی از هم پاشیدگی کانون خانواده یا عدم تربیت صحیح خانوادگی است، پس باید اساس خانواده بر صفا و صمیمیت بنیان گذاشته شود تا با این روند زیبا و باصفا محبت ها و مودت ها آسب نبینند.